

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، بهار ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۳

صص ۲۸ ° ۱

عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هنجارمندی دانش آموزان پسر دبیرستانی شهر ملایر

حبيب احمدی^۱، داریوش غفاری^{۲*}، لیلا پرنیان^۳

چکیده

هدف کلی این تحقیق بررسی عوامل موثر اجتماعی و فرهنگی بر رفتار هنجارمند دانش آموزان پسر دبیرستان‌ها شهرستان ملایر است که با مقایسه دو گروه هنجارمند و غیر هنجارمند به تبیین آن می‌پردازد. جامعه مورد مطالعه کلیه دانش آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان ملایر است، که نمونه‌گیری این تحقیق به صورت تصادفی سیستماتیک و در دو مرحله صورت گرفت از دانش آموزان هنجارمند و غیر هنجارمند نمونه‌گیری شد. روش پژوهش، علی-مقایسه است که دو گروه مورد بررسی قرار گرفتند، دانش آموزان هنجارمند و مقایسه آن با دانش آموزان غیر هنجارمند که اطلاعات با ابزار پرسشنامه و به صورت میدانی

h.ahmadi@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

darghafari@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

leila.parnian@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

اطلاعات جمع‌آوری گردید. از نتایج بدست آمده مشخص شد که باافزیش نظارت و کنترل والدین و انسجام بیشتر خانواده، پیوند عاطفی قوی بین والدین و فرزندان، تشویق به رعایت قانون در اطاعت از هنجارهای جامعه در فرایند اجتماعی شدن و مشارکت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، میزان هنجارمندی افزایش یافته در نتیجه فرد با هنجارهای جامعه هم‌نوا می‌گردد و با کاهش در روابط هر کدام از متغیرهای فوق شاهد احتمال بروز رفتارهای غیر هنجارمند خواهیم بود.

واژه‌های کلیدی: هنجارمندی، کنترل و نظارت والدین، انسجام خانواده، پیوند عاطفی، اجتماعی شدن، مشارکت فرهنگی.

مقدمه

انسان یگانه موجودی است که به منظور ادامه حیات ارگانیستی و انطباق اقتصادی، رشد شخصیتی و بالاخره تسبیح الگوهای رفتاری و انتقال موارث جمعی، از بدو تولد، ناگزیر به سایر آدمیان وابسته بوده و از همین رو نیز به زندگی سازمان‌یافته گروهی در قالب نهادهای منسجم اجتماعی می‌گراید. در این میان روابط اجتماعی چونان برآیند کنشها و تعاملات و پویس‌های جمعی، بر پایه تکرار مداوم تعلق انتظارات خود به دیگری و متقابلاً دیگری به خود، میان اشخاص نهادینه و ساخت‌مند شده و کارکردهای معینی نظیر انطباق‌پذیری ارگانیستی و پایداری رفتاری - فرهنگی را در عرصه جامعه رقم می‌زند (محمدمدی اصل، ۱۷: ۱۳۸۵).

انسان‌ها به عنوان موجودات اجتماعی، حاصل جمع روابطشان هستند و بدون موقعیت‌های اجتماعی مختلفی که در ارتباط با دیگران اشغال می‌کنند، وجود ندارند. (ایمان، ۱۳۸۹: ۴۱)

انسان برای حیات اجتماعی خود باید مراحل را پشت سر بگذارد، این مراحل شامل کودکی، نوجوانی، بزرگسالی و سالخوردگی است. هر کدام از این مراحل ویژگی‌های خاص خود را دارد که همراه با تغییرات جامعه رشد می‌کند، یکی از این مراحل نوجوانی است که بیشترین توجه رابه خود از ناحیه دانشمندان و صاحب‌نظران علوم تربیتی اختصاص داده است.

در این دوره، دوره وابستگی به بزرگترها، آسوده بودن و بی مسئولیتی پشت سر گذاشته می‌شود و دانش‌آموز آماده ورود به دانشگاه، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، تشکیل خانواده

و سرنوشت خود و جامعه است (گولد و همکاران، ۲۰۱۱).

جامعه هم انتظاراتی از نوجوان به عنوان فردبالغ دارد و آنچه که سبب می‌شود تا نوجوان انتظارات جامعه را برآورده سازد و هم‌نوا با جامعه گردد جریان اجتماعی شدن یا جامعه پذیری می‌باشد که خانواده، مدرسه، گروه همالان و وسایل ارتباط جمعی از عوامل مهم اجتماعی شدن بحساب می‌آیند (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۸۹: ۴۷۴) نوجوان از طریق این عوامل با هنجارهای جامعه آشنا می‌گردد، که باید آنها را رعایت نماید و سلامت هر جامعه به رعایت هنجارها و ارزش‌های آن جامعه بستگی دارد.

در مقابل افرادی هستند که در شرایط مختلف و به دلایل گوناگون از هنجارهای اجتماعی سرپیچی کرده و در پای بندی و عمل به قرار داردهای اجتماعی که اساس تحقق نظم و حاکمیت جمعی است، تن نمی‌دهند. نوعی ناهم‌نوايي در رفتارهای اجتماعی و تخطی از هنجارها در جامعه مشاهده می‌شود که در عرف اجتماعی متصدیان این مسأله را غیرهنجارمند نام نهاده‌اند

امروزه غیر هنجارمندی رفتاری نوجوانان به عنوان یک مسأله اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی است و به همین میزان نیز هنجارمندی دانش‌آموزان از اهمیت خاصی برخوردار است. در هر کشوری بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند. هرچند داشتن جمعیت جوان به عنوان یک فرصت تلقی می‌گردد، اما اگر به الزامات و برنامه ریزی برای آینده آنان توجه نشود، این جمعیت جوان در آینده به عنوان یک مسأله اجتماعی درخواهد آمد.

ایران از آن دسته از کشورهای در حال توسعه است که بخش اعظمی از جمعیت آن را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند. با این اوصاف آنچه در ارتباط با وضعیت نوجوانان و جوانان از طریق آمارها منعکس می‌شود، دورنمای مناسبی رانشان نمی‌دهد و موبد این مطلب است که درصد قابل توجهی از دستگیرشدگان افراد زیر ۱۸ سال هستند.

به طور کلی دانش‌آموزانی هستند که مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رایج عمل نکرده و دست به اعمالی چون استعمال دخانیات و مواد مخدر، پرخاشگری، سرقت، تخریب اموال مدرسه، غیبت‌های مکرر و... می‌زنند.

عدم رعایت هنجارها می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. این مطالعه قصد دارد تا به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گروه دانش آموزان هنجارمند و غیرهنجارمندی پسر دبیرستان‌های شهرستان ملایر پرداخته و در صدد تبیین علمی رفتار هنجارمند آنان است.

پیشینه تحقیق

در ایران نیز تحقیقات زیادی در مورد بزهکاری و هنجارشکنی بخصوص بزهکاری و هنجارشکنی نوجوانان و جوانان صورت گرفته است. از جمله:

در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ پژوهشی با عنوان "عوامل موثر در ایجاد و بروز اختلالات رفتاری و بزهکاری دانش آموزان" به وسیله معاونت فرهنگی^۱ اجتماعی نخست وزیر انجام شد که حدود ۲۶۵۲ نفر دانش آموز در کل کشور در سنین ۱۳ تا ۲۰ سال، که عامل اعمال بزهکارانه بوده‌اند؛ مورد بررسی قرار گرفتند که در پایان مشخص شد ۸۲ درصد از دانش آموزان بزهکار به اشکال مختلف با اولیای مدرسه درگیر شده‌اند و دانش آموزان هنجارشکن در محیط مدرسه در مقایسه با دانش آموزان غیر هنجارشکن سازگاری کمتری دارند و وضعیت تحصیلی دانش آموزان بزهکار در مقایسه با غیر بزهکاران در سطح پایین‌تری است.

در سال ۱۳۷۲ تحقیق دیگری توسط خلیل عبدالهی با عنوان "بررسی ساختار خانواده با تنوع فراوانی ناهنجاری‌های دانش آموزان سه دوره تحصیلی" در استان سمنان انجام شد که نتایج نشان می‌دهد که بین عوامل ساختاری خانواده دانش آموزان با ناهنجاری‌های آنان ارتباط وجود دارد. هر قدر عوامل ساختاری خانواده در حال تعادل قرار داشته‌اند، موجب کاهش ناهنجاری‌ها، و هر چه آشفتگی و گسستگی خانواده‌ها زیاده‌تر بوده به همان میزان هم اختلالات و ناهنجاری‌های بیشتری وجود داشته‌است.

توسلی و فاضل (۱۳۸۱) به بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی^۲ اقتصادی و رفتار والدین بر اثر بخشی خشونت تلوزیونی بر رفتار کودکان پرداخته‌اند. در این تحقیق با تأکید بر نظریه کارکردگرائی ساختی، متغیرهایی از جمله پایگاه اجتماعی^۳ اقتصادی و نحوه رفتار والدین با کودکان به منزله فرآیندهای واسط میان تماشای خشونت تلوزیونی و رفتار کودکان در ایران مورد آزمون قرار گرفته و نقش آنها در میزان اثر بخشی خشونت تلوزیونی در میان کودکان

متعلق به پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی و سبک‌های والدین بررسی شده است.

چلبی و اعظم زاده (۱۳۷۹) فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامدهای روانی و اجتماعی آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مقاله رابطه بین دو متغیر مزبور را سهمی درجه دو دانسته‌اند و برای قسمت‌های مختلف دامنه ناسازگاری پایگاهی آثار روانی^۰ اجتماعی گوناگون راقائل شده‌اند. روش این تحقیق به شیوه پیمایش اجتماعی است که با حجمی برابر ۷۰۵ نمونه برای خانواده‌های ساکن در شهر تهران صورت گرفته است. یافته‌های این مطالعه فرضیه غیر خطی بودن (سهمی درجه دو) دو متغیر مذکور را تأیید می‌کند.

پنجه پور (۱۳۷۹) در تحقیق خود به بررسی و تبیین علل اجتماعی موثر بر آنومی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان پرداخته است. هدف از این تحقیق که در گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان انجام شده است، بررسی عوامل مؤثر بر آنومی (بی‌هنجاری) به عنوان یکی از مسائل اجتماعی ناشی از دوران گذرا می‌باشد. در این تحقیق ابتدا متغیر وابسته (آنومی) از نظر مفهومی و با توجه به ابعاد ذهنی و عینی آن بررسی شده و سپس با تاکید بر نظریات جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی، چهار چوب نظری و فرضیه‌های تحقیق تدوین گردیده است، همچنین متغیرهای سن، جنس، میزان پیوستگی با خانواده، پایگاه اقتصادی، اجتماعی، میزان تفاوت ارزشی والدین با فرزندان، میزان مشارکت اجتماعی و میزان نظارت اجتماعی به عنوان عوامل تاثیر گذار بر آنومی مطرح شده است. در این تحقیق از روش همبستگی استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز با ابزار پرسشنامه از ۳۲۰ دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در سه ناحیه ۲، ۳ و ۵ آموزش و پرورش شهر اصفهان که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، بدست آمده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع ۷ متغیر مؤثر بر آنومی ۵ متغیر در معادله رگرسیونی دخالت دارد و در مجموع ۴۱/۷٪ از تغییرات میزان آنومی را تبیین می‌کند که متغیر پیوستگی با خانواده با ضریب ۰/۳۷۶- بیشتری میزان تاثیر را در تبیین آنومی بر عهده داشته و پس از آن متغیرهای جنس با ۹/۳۷۳، تفاوت ارزشی ۰/۳۹- پایگاه اقتصادی^۰ اجتماعی ۰/۲۰۸ و مشارکت ۰/۰۹۷ به ترتیب در معادله رگرسیونی تغییرات در میزان آنومی را تبیین می‌کنند در مجموع ۶۵٪ از دانش‌آموزان دچار آنومی متوسط و ۱۴/۷٪ از دانش‌آموزان دارای آنومی در سطح بالا هستند و میزان آنومی ۲۰٪ آنها پایین

است و میزان آنومی با سن و جنس پاسخگویان ارتباط دارد.

پژوهشی دیگر توسط ابراهیم پور صالح (۱۳۸۰) با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر هنجارشکنی دانش آموزان پسر دبیرستان‌های شهر "رشت" انجام گرفت که محقق در این پژوهش به بررسی پایگاه اجتماعی، کنترل و نظارت خانواده، گسیختگی خانواده، ستیز والدین و دوستان کج‌رو در بزهکاری و مقایسه دو گروه هنجارشکن و غیر هنجارشکن پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کنترل و نظارت اجتماعی ابزار مهمی در تثبیت هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شود و می‌تواند مانع بروز و پیدایش هرگونه انحراف شود. او نشان می‌دهد هر قدر ستیز و اختلاف در روابط خانوادگی زیاد باشد، میزان هنجارشکنی فرزندان افزایش می‌یابد.

تحقیقی دیگر توسط امید اطمینانی (۱۳۸۰) با عنوان هنجارشکنی دختران دبیرستانی در مناطق شمال و جنوب تهران صورت گرفته است که نتایج آن نشان می‌دهد، خانواده‌های دانش آموزان هنجارشکن نسبت به خانواده‌های سایر دانش آموزان در معرض ازهم گسیختگی قرار دارند.

رئیس (۱۳۸۲) به بررسی مقایسه‌ای نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان فراری از منزل و نوجوانان غیربزهکار شهر تهران پرداخته است. محقق در این تحقیق سعی کرده شرایط موجود در خانواده را به عنوان مهمترین کانون تاثیر گذار بر رفتار نوجوانان، مورد بررسی و مطالعه قرار دهد، و برای اینکار ویژگی‌های موجود در خانواده نوجوان بزهکار فراری از منزل، با شرایط موجود در خانواده نوجوان غیر بزهکار، را مورد مقایسه قرار داده است. محقق در این پژوهش سعی نموده از طریق تنظیم پرسشنامه ویژگی‌های خانوادگی نوجوانان بزهکار فراری از منزل را با ویژگی‌های خانوادگی نوجوانان غیر بزهکار در شهر تهران مورد مقایسه قرار دهد. تا از این طریق به میزان نقش خانواده و شرایط موجود در آن در ایجاد انحرافات اجتماعی و بزهکاری نوجوانان پی ببرد. او در این پژوهش تعداد ۸۰ نفر از نوجوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله بزهکار در شهر تهران و تعداد ۸۰ نفر از نوجوانان غیر بزهکار ۱۲ تا ۱۸ ساله در مدارس و دبیرستان‌های شهر تهران را از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب نموده است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی خانواده و میزان استفاده اعضای خانواده از محصولات فرهنگی و پایبندی اعضای خانواده به مسائل شرعی در بزهکاری نوجوانان تاثیر دارد.

زارعی (۱۳۸۴) بزهکاری و بزه دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. در این تحقیق محقق پس از بیان علل بزهکاری و بزه دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر و تاثیر اعتیاد در بزهکاری آنان با توجه به آمار بدست آمده در کانون اصلاح و تربیت تهران، پس از بیان پیشگیری کیفی (مجازات) از بازگشت به اعتیاد، به دلیل ناکارآمد بودن این نوع پیشگیری، از منظر دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی به موضوع پیشگیری اجتماعی بزه دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر و نهایتاً بزهکاری آنان پردازد. نتایج بدست آمده در این تحقیق نشانگر این است که هر نوع محرومیت و وضعیت نامناسب نوجوانان رابه سوی بزهکاری سوق می‌دهد زیرا در گروه‌های بزهکاری به آنان بها داده می‌شود. همچنین نوجوانانی که والدینشان دچار اعتیاد و مواد مخدر بوده‌اند، بیش از سایر افراد به بزهکاری روی می‌آورند و بزهکاری و بزه دیدگی ارتباط مستقیمی با محیط تربیتی و کیفیت برخورداری از تعاملات بین فردی و محیط‌های زندگی نظیر محیط خانواده و محیط‌های تفریحی و محیط اجتماعی دارد. همچنین یافته‌های این تحقیق بیانگر این است که پیشگیری اجتماعی بزه دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر از پیشگیری کیفی (مجازات) کارآمد تر است.

شارع پور (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری به بررسی رابطه آنها می‌پردازد با توجه به اینکه بیشتر مسایل اجتماعی برآمده از روابط اجتماعی هستند، تحقیق حاضر با بهره‌گیری از نظریه سرمایه اجتماعی خانواده کلمن و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی به بررسی تجربی فرضیه رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری نوجوانان دختر و پسر پرداخته است. برای بررسی رابطه مذکور از یک نمونه ۴۱۰ نفری از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر سنندج استفاده شده است، که در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند. روش تحقیق به صورت پیمایشی انجام گرفته و دانش‌آموزان به طور خود اجرا به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده، در بین پاسخگویان پسر بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را داشته است، در صورتی که سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بزهکاری را در بین پاسخگویان دختر نشان داده است. همچنین در بین مولفه‌های سرمایه

اجتماعی خانواده، صمیمیت اعضا خانواده و حمایت اجتماعی رابطه معناداری با بزهکاری پسران داشته است، در حالی که در بین پاسخگویان دختر، آگاهی والدین و عضویت والدین در نهادهای اجتماعی با رفتارهای بزهکارانه رابطه معناداری را نشان داده‌اند.

فاطمه جواهری (۱۳۸۶) در پژوهشی آثار قشربندی جامعه و تأثیر پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی دانشجویان بر گرایش‌ها و رفتار آنان را مورد ارزیابی قرار داده است. اطلاعات این مقاله بر اساس یک رویکرد اکتشافی و با تکیه بر روش تحلیل ثانوی ارائه شده است. به این منظور از یافته‌های «طرح سنجش گرایش‌ها، رفتار و آگاهی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» استفاده شده است. بر اساس اطلاعات موجود در این طرح، رابطه میان پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی به منزله یکی از مهمترین وجوه ساختار جامعه با برخی از رفتارها و گرایشهای دانشجویان مورد آزمون قرار گرفته است. اطلاعات بدست آمده حاکی از آن است که عضویت در پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی بالا^۰ متوسط، پایین در اغلب موارد تأثیر معناداری در تفاوت گرایش‌ها و عملکرد کنشگران اجتماعی دارد. این امر به این واقعیت اشاره دارد که نظام قشربندی اجتماعی ممکن است زمینه ساز شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها و هویت‌های اجتماعی متفاوت باشد.

مبانی نظری تحقیق

عوارض دامنه‌دار و گسترده‌ای که از قبل بروز ناهنجاری‌های جوانان جامعه رامبتلا می‌کند، ایجاب می‌کند که علل و عوامل بزهکاری از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. عمده‌ترین دیدگاه‌هایی که بزهکاری را مورد بررسی قرار داده‌اند سه رویکرد زیست‌شناختی، روانشناسی و جامعه‌شناسی است.

دیدگاه زیست‌شناختی:

برخی از آسیب‌شناسان اجتماعی براین باورند که عوامل زیست‌شناختی نظیر نقص جسمانی و وضعیت ژنتیکی را باید علت کجروی دانست از پیشگامان این نظریه می‌توان سزار لمبوزر، جرم شناس ایتالیایی را نام برد. او پس از آنکه دزد وجنایتکار معروف ایتالیایی را کالبد

شکافی نمود، به این فکر افتاد که با روش‌های تجربی و علمی مجرمان را مطالعه کرده و علل اصلی جرم را بر اساس شیوه‌های علمی پیدا کند.

تئوری‌های روانشناسی انحرافات

تئوری‌های روانشناسی انحرافات، تشابهات چندی با تئوری‌های بیولوژیکی دارند:

- این تئوری‌ها فرد منحرف را از جامعه به طور اعم متفاوت می‌دانند.

- فرد منحرف در یک جامعه بهنجار، غیر عادی محسوب می‌شود.

- غیر عادی بودن او، وی را در معرض انحراف قرار می‌دهد با وجود این تئوری‌های روانشناسی در ادعا یشان مبنی بر اینکه نا هنجاری بیش از آنکه ژنتیکی باشد آموختنی است با تئوری‌های فیزیولوژیکی تفاوت دارند.

تئوری‌های روانشناسی پایه و اساس انحراف را بیش از آنکه به ژن‌های غیر عادی نسبت دهند به تجربه نا بهنجار مربوط می‌دانند. این تجربه موجب بروز نقصان‌های شخصیتی و شخصیت‌های کژ سازگار می‌شود که آن‌هم سبب انحراف می‌گردد. اغلب تئوری‌های روانشناسی برآنند که در فرآیند اجتماعی شدن فرد منحرف و معمولاً در رابطه بین مادرو فرزند، نقصان وجود داشته است این نقیصه شامل ناراحتی عاطفی است که به شکل خصلت‌های شخصیتی کژ سازگار منتهی می‌شود (ستوده، ۱۳۷۹: ۷۱).

نظر جامعه‌شناسان:

جامعه‌شناسان به همان ترتیب که با تئوری‌های بیولوژیکی، برخورد کرده‌اند، برآنند که تبیین‌های روانشناسی انحراف را نیز کنار بگذارند. اولاً آنان چنین استدلال می‌کنند که این قبیل تئوری‌ها عوامل اجتماعی و فرهنگی را در تبیین انحراف نادیده می‌گیرند.

به نظر دورکیم نظم اخلاقی یا وجدان اخلاقی نیروی بیرونی است که بر خواهش‌ها و امیال درونی انسان‌ها مهار می‌زند. این نظم به صورت وجدان جمعی درآمده و امیال سیری‌ناپذیر انسان را کنترل می‌کند. وقتی تغییرات ساختاری (ناشی از پیشرفت یا پسرفت اقتصادی) یک ساختار هنجارمند را بهم می‌زند، امیال سیری‌ناپذیر از قید هنجارها آزاد می‌شود. اما منابع اقتصادی، اجتماعی برای پاسخ دادن به خواهش‌ها، ماهیتاً محدود است.

رقابت برای رسیدن به هدف‌هایی دست نیافتنی افزایش می‌یابد. کوشش‌ها افزایش می‌یابد. و نتیجه کمتر حاصل می‌شود. در این وضعیت شوق زندگی از میان می‌رود و در نتیجه زمینه گرایش به انحراف و ناامنی فراهم می‌گردد.

در نظام دورکیمی اگر نتوان فرد را در اجبار اجتماعی قرار داد و با اجتماع همراه کرد، منابع فردی خود را بر منافع جمعی تفوق داده و جامعه با آسیب اجتماعی روبرو می‌شود و انحرافات با افزایش خود خواهانه نمود پیدا می‌کند و در نهایت امنیت اجتماعی را به چالش کشیده خواهد شد (سخاوت، ۱۳۸۳: ۹ و ۶۷).

وقتی در یک جامعه رشد سریع اقتصادی پدید می‌آید و در پی آن عده‌ای ثروتمند می‌شوند. و این ثروت به انحای گوناگون برای قشر فقیر به نمایش گذاشت می‌شود. وضعیت آنومی اجتماعی پدید می‌آید، که امنیت فردی اجتماعی را تهدید کرده و گسترش و تداوم آن در جامعه موجب نارضایتی عمومی می‌شود و لذا سلامت جامعه نیز به خطر می‌اندازد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹). بنابراین به نظر می‌رسد که افکار دورکیم ارتباط معناداری بین آنومی، بحران اقتصادی، کنترل اجتماعی و رفتار انحرافی وجود دارد. دورکیم عواملی را که موجب آنومی در جامعه مدرن می‌شود به شرح ذیل بیان می‌کند:

- ۱- تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی،
 - ۲- قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دایما" در حال تغییر،
 - ۳- پیشرفت اقتصادی مبتنی بر روابط فردی آزاد شده نظم،
 - ۴- تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۶).
- مرتون هم، نخستین هدف خود را کشف این نکته می‌داند که برخی ساختارهای اجتماعی چگونه فشار معینی را بر بعضی از افراد جامعه وارد می‌کنند. که این افراد به همنوایی، نا همنوا می‌شوند. مرتون ریشه انحرافات اجتماعی را در شکاف دو عنصر اساسی ساختار فرهنگی جستجو می‌کند.

از نظر مرتون، یک جامعه منسجم، بین ساختار اجتماعی (وسایل اجتماعی تایید شده) و فرهنگ (آرمان‌های تعیین شده) توازن برقرار می‌کند. بی‌هنجاری، نوعی عدم انسجام جامعه است که بر اثر انفکاک بین اهداف فرهنگی ارزش داده شده و وسیله مشروع برای نیل به آن

اهداف ایجاد می‌شود (هایزر و فارینیو، ۲۰۱۱: ۲).

اولین عنصر نظریه مرتون شامل اهداف، مقاصد و علایق است. که توسط فرهنگ جامعه تعریف و تعیین شده عنصر دوم ساختار فرهنگی شیوه‌ها، راه‌ها و هنجارهای مشروع رسیدن به اهداف و آرمانهای فرهنگی را تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند.

هنگامی که میان اهداف فرهنگی و راههای نهادی شده هماهنگی وجود نداشته باشد فریبکاری، فساد، رشوه خواری، روسپگری و ارتکاب انواع جرایم افزایش و امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد. مرتون، تداوم گسست و شکاف میان الگوهای اهداف فرهنگی و هنجارها و راههای نهادی شده را موجب بی‌ثباتی جامعه می‌داند. که در واقع همان آنومی است. در نظر مرتون، جامعه وقتی دچار آنومی می‌شود که تعادل میان هدف و ارزشهای فرهنگی با راهها و امکانات اجتماعی به هم بریزد. به طوری که افراد جامعه قادر نباشند از طریق هنجارهای مورد پذیرش جامعه و امکانات و وسایل مجاز به هدف مطلوب فرهنگی جامعه دست یابند و در نتیجه این عدم تعادل ساختاری، زمینه اجتماعی را برای بروز رفتارهای ناهنجار و انحرافات اجتماعی را فراهم می‌کند. در صورت عدم اصلاح ساختاری در پر کردن شکاف میان اهداف و راههای مجاز فرهنگی - اجتماعی ناهم‌نواپی و رفتار کجروانه در جامعه گسترش یافته و امنیت اخلاقی و اجتماعی سلب خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۱). از سوی دیگر فقدان امنیت اخلاقی و اجتماعی نیز انحرافات اجتماعی را دامن زده و جامعه را دچار عدم تعادل و بحران می‌کند (کوزر، ۱۳۷۸: ۴۳۲).

تئوری‌های ساختاری و خرده فرهنگی انحرافات

آلبرت کوهن

کوهن بحث خود را به شیوه‌های همانند با مرتون آغاز می‌کند. مرتون، بر منابع ساختاری فشار که منجر به ساز واره‌های کژ روانه توسط طبقه پایین می‌شوند، تاکید کرد. ولی آن را در میان پسران نوجوان طبقه پایین بکار برد او مشاهده کرد که خرده فرهنگ بزهکارانه موجب درگیر شدن طبقه پسران طبقه پایین در رفتار بزهکارانه می‌شوند (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۴۷). پسران طبقه پایین کارگر آرمان‌های موفقیت فرهنگ کلی جامعه را با خود دارند. اما عمدتاً به

علت شکست تحصیلی و در نتیجه بدست آوردن مشاغل بدون ارتقاء که ناشی از آن است. فرصت ناچیزی برای دستیابی به اهداف خود می‌یابند. این عدم دستیابی به اهداف با در نظر گرفتن موقعیت آنها در ساختار اجتماعی قابل تبیین است. کوهن از این نظر که «محرومیت فرهنگی» دلیل موجهی برای کمبود موفقیت تحصیلی اعضای پایین طبقه کارگری است. جانبداری می‌کند. بسیاری از پسران طبقه پایین کارگری به دلیل اینکه راه‌های موفقیت برای آنها مسدود است. از فقدان منزلت اجتماعی رنج می‌برند، آنها از پایین بودن پایگاه خود در جامعه دچار حرمان و ناراضی می‌شوند. آنگونه که مرتون معتقد است. آنها محرومیت خود را از طریق روی آوردن به راه‌های جنایی از میان نبرده، بلکه با نپذیرفتن آرمان‌های موفقیت که در کل جامعه دنبال می‌شود، این محرومیت را جبران می‌کنند. آنها آرمان‌های موفقیت متداول در کل جامعه را با هنجارها و ارزش‌های دیگری که بتوانند از طریق آنها موفقیت و وجهه کسب کنند جایگزین می‌سازند.

نتیجه این عمل به یک فرهنگ فرعی بزهکاری منتهی می‌شود فرهنگ فرعی بزهکاری نه تنها فرهنگ جامعه را نمی‌پذیرد، بلکه بر ضد آن عمل می‌کند، به بیان کوهن فرهنگ فرعی بزهکاری هنجارهای خود را از فرهنگ کلی دریافت می‌کند، اما آنها را در خلاف جهت، تغییر می‌دهد. به این ترتیب ارزش والایی برای اعمالی از قبیل سرقت، ویرانگری، ولگردی و سایر اعمالی که در کل جامعه محکوم است. قائل می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۲).

والتر میلر

نظریه میلر مبتنی بر ویژگی‌های طبقاتی جوانان طبقات پایین است. وی بزهکاری طبقه پایین اجتماعی را صرفاً ناشی از فرهنگ فرعی این طبقه می‌داند. میلر استدلال می‌کند که در اثر پیروی از رفتارهای فرهنگی که در بردارنده عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه پایین است، خود به خود از برخی هنجارهای قانونی انحراف به وجود می‌آید. در عمل این انحراف به صورت حمله، ضرب و شتم، حقه‌بازی، زرنگی، فریب کاری و سایر اعمال خلاف ظاهر می‌شود و هدف کسب وجهه و شهرت است (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۲).

میلر نتیجه‌گیری می‌کند که بزهکاری یک نوع خودنمایی مبالغه آمیز است که به روابط فرهنگی و قانونی خرده فرهنگ طبقه پایین اجتماعی مربوط می‌شود. بزهکاری از تربیت

اجتماعی در یک فرد، فرهنگ و سنت بارز و مجسمی که طی قرون متمادی داشته‌است، ناشی می‌شود اگر چه این خرده فرهنگ حیات خاص خود را داراست، اما میلر دلایلی برای اصل و بقای آن عرضه می‌دارد. میلر معتقد است که این خرده فرهنگ تا حدی به علت نیاز جامعه به نیروی کار نیمه ماهر باقی می‌ماند.

کارگران نیمه ماهر باید به انجام کارهای سخت، تکراری و خسته کننده تن داده و یا بیکاری را تحمل کنند. خرده فرهنگ طبقه پایین راه‌هایی در پیش می‌گیرد که با این وضعیت زندگی کرده و روابط کانونی حاکم بر فرهنگ، رضایت خاطر را در خارج از محیط کار جستجو می‌کند و می‌کوشد تا نارضایتی و خستگی شغلی را از این طریق بر طرف کند. لذا با روی آوردن به اعمال هیجانی خستگی کار را جبران می‌کند (برهم، ۱۹۹۶).

ریچارد کلوارد و لوید اوهلین

آنها معتقدند؛ همانطور که فرصت‌های موفقیت از طریق قانون متفاوتند، فرصت موفقیت از راه‌های غیر قانونی هم با یکدیگر فرق می‌کنند. به نظر آنان همواره بر اعضای طبقه کارگر فشار بیشتری برای انحراف وارد می‌شود. زیرا برای نیل به موفقیت از راه‌های قانونی، فرصت کمتری دارند. کلوارد و لوید اوهلین عقیده دارند که واکنش‌های افراد طبقه کارگر به ایجاد سه نوع خرده فرهنگ منتهی می‌شود: خرده فرهنگ جنایی، خرده فرهنگ ستیزه جویی و خرده فرهنگ انزوا طلب، پیدایش این واکنشها در افراد جوان به دسترسی آنها به فرصتی که برای دست زدن به اعمال خلاف دارند، بستگی دارند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۱).

شاو و مک کی استدلال می‌کنند که فرآیند رشد شهری، دلیل تمرکز جنایت و بزهکاری در ناحیه انتقال جمعیت است. جابجایی زیاد جمعیت، از شکل گرفتن جامعه‌ای با ثبات جلوگیری کرده و به بی‌سازمانی اجتماعی منتهی می‌شود. بزهکاری، فحشا، قمار بازی، مصرف غیرقانونی داروهای مخدر، خشونت، خانواده‌های از هم گسیخته از نشانه‌های بی‌سازمانی اجتماعی هستند. این اعمال به این دلیل رخ می‌نمایند که در مرکز انتقال و جابجایی جمعیت، کنترل اجتماعی ضعیف بوده و مکانیسم‌های کنترل از قبیل عقیده عمومی، نظارت همگانی و کنترل خانوادگی آنقدر قوی نیستند که از پیدایش ارزشها و هنجارهای انحرافی جلوگیری کنند.

نظریه بر چسب زنی

هوارد بکراز بنیان روش تعامل گرایی عقیده دارد که به "گروه‌های اجتماعی از طریق وضع قوانینی که نقض آنها به شکل انحراف می‌انجامد، و با کاربرد آن قوانین در مورد افرادی ویژه و بر چسب بیگانه زدن انحراف را به وجود می‌آورند. از این دیدگاه، انحراف کیفیت عملی نیست که شخص مرتکب می‌شود. شخص منحرف کسی است که بر چسب انحراف به او زده شده است؛ رفتار انحرافی رفتاری است که مردم به آن چنین بر چسبی می‌زنند. بکر عقیده دارد که به یک معنی چیزی به عنوان رفتار انحرافی وجود ندارد. فقط هنگامی یک عمل انحرافی می‌شود که دیگران آن را چنین پندارند و اینگونه توصیف کنند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۳).

نظریه کنترل اجتماعی

اساس این نظریه بر این مورداست که انسان موجودی است دارای امیال نامتناهی و از این منظر به دیدگاه دورکیم و هابز نزدیک است. موضوع مورد نظر این نظریه این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می‌گردد یا به عبارتی دیگر به جای اینکه پیرسیم چرا کجروی واقع شده است باید سوال شود چرا مردم هنجار شکنی می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

هیرشی که خود نام کنترل را ابداع کرده معتقد است که کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است. هرشی معتقد است که اجزاء تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد زیر است.

- اتصال با سایر افراد
- پذیرفتن و مشارکت در نقش‌ها و اهداف و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارند.

- اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آنان

هیرشی می‌گوید: کیفیت هر کدام از موارد سه‌گانه فوق‌الذکر، در هر مورد خاص می‌تواند موجب هم‌نوایی یا علت کجروی باشد. مثلاً اگر کسی پیوندهای کمتری با افراد که طرفدار هم‌نوایی و رفتارهای قانونی و قابل قبول هستند. داشته باشد، احتمال کجروی در مورد وی افزایش می‌یابد. افرادی که در فعالیت‌های اجتماعی مقبول مشارکت دارند و مشاهده

می‌کنند که تبعیت از قانون زوتر آنها را به آرمانهای خویش می‌رساند، میل بیشتری به هم‌نوایی خواهند داشت (فرجاد، ۱۵: ۱۳۷۷).

نظریه سادرلند

سادرلند اصطلاح هم‌نشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی بکار برد. هم‌نشینی افتراقی بر این پیش فرض بنا شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روش یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۹: ۹۵) سادرلند رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و معاشرت با دیگران به خصوص در گروه‌های نزدیک و صمیمی بوجود می‌آید. اگر در این یادگیری‌ها، نا هنجاری‌ها زیاد باشد فرد نابهنجار شده و زمانی فرد به بزهکاری دست می‌زند که آمیزش او با قانون شکنان بیشتر از افراد سالم است.

نظریه عمومی فشار آگنیو

نظریه عمومی فشار آگنیو برای جرم و بزهکاری از نظریه‌های معاصر بی‌سازمانی اجتماعی است. رابرت آگنیو برای باز بینی از دیدگاه اجتماعی روانی سطح خرد استفاده می‌کند و در درجه اول، مفهوم فشار را فرا تر از آنچه که بر اثر اختلاف بین انتظار و آرزو ایجاد می‌شود بسط می‌دهد تا چندین منبع تنش یا فشار را در بر بگیرد بنا به نظریه آگنیو، جرم نوعی سازگاری با تنش، صرف نظر از منبع تنش است و سه نوع عمده ایجاد کننده کج روی را شناسایی می‌کند:

- عدم نیل به اهداف فردی
- حذف محرک‌های مثبت یا مطلوب
- مواجهه فرد با محرک‌های منفی

آگنیو برای نوع اول سه زیر گروه معرفی می‌کند: نخست مفهوم سنتی فشار به عنوان انفکاک بین انتظار و آرزو. آگنیو این را کمی بسط می‌دهد تا نه تنها شامل اهداف ایده‌آل؛ بلکه شامل اهداف فوری تر نیز باشد هم چنین او ناکامی را که نه تنها مبتنی بر فرصت‌های مسدود شده بلکه مبتنی بر عدم کفایت فردی در توانایی و مهارت است گنجانده. زیر گروه دوم

شکاف بین انتظارات واقعی است که منجر به خشم یا عصبانیت می‌شود. و زیرگروه نوع سوم اختلاف بین آنچه یک پیامد منصفانه یا عادلانه می‌شود و پیامدهای واقعی نامیده می‌شود. دوم این منبع فشار در درجه اول به تجربه فرد با رویداد تنش دار زندگی که برای نو جوان بروز می‌کند مانند از دست دادن چیزی یا کسی که ارزش زیادی دارد مرگ یا بیماری و از دست دادن یک دوست یا عضو خانواده، تعلیق شدن از مدرسه یا تعویض مدرسه جملگی می‌توانند احساسات بی‌هنجاری ایجاد کنند.

نوع سوم به مجموعه دیگری از رویدادهای تنش دار زندگی اشاره دارد که شامل مواجهه فرد با اعمال منفی دیگران است. یک نو جوان ممکن است در معرض، سوء رفتار قربانی شدن خسارات مدرسه و دیگر محرک‌های مضر قرار گیرد از آن جا که نو جوان به طریق قانونی نمی‌تواند از مدرسه فرار کند لذا از روش‌های مشروع برای اجتناب از استرس والدین و معلمان مسدود می‌شود این واقعیت فرد انگیزه می‌دهد تا به صورت کج رفتاری واکنش نشان دهد. (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۴۷)

چهار چوب نظری

چهار چوب نظری مورد استفاده در این مقاله ترکیبی از نظریه خرده فرهنگی، نظریه کنترل اجتماعی و نظریه عمومی فشار است. فرضیه‌های اساسی آن از سه نظریه فوق گرفته شده است. نظریه خرده فرهنگی بز هکاری جوانان را از جرم متمایز دانسته و بر این باورند که رفتار بز هکارانه به وسیله افرادی رخ می‌دهد که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. آنها به موضوع رفتار بز هکارانه جوانان طبقات پایین جامعه بر حسب ویژگی‌های خرده فرهنگی آنان نظیر ارزشها، زبان و اسلوب‌های زندگی پرداخته‌اند (احمدی، ۱۳۸۹: ۷۲). از منظر نظریه کنترل اجتماعی عدم تعلق و تقید نسبت به دو نهاد خانواده و مدرسه زمینه ساز رفتارهای بز هکارانه است هنگامی که خانواده و مدرسه قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارهای مورد وفاق جامعه نباشد و فرد از طریق این نهادها کنترل نشود به گروه همسالان پناه می‌برد در این حالت ارضاء شیوه‌های نیاز به شیوه رفتار بز هکارانه با مشارکت افرادی که شبیه خود باشند به آسانی قابل وصول است و الگوهای بز هکاری به راحتی به فرد منتقل می‌شود به اعتقاد هیرشی چهار عنصر برای پیوند

اجتماعی وجود دارد: دلستگی، تعهد، مشارکت، باور.

طبق نظریه هیرشی هر کدام از این عناصر همبستگی بالایی با بقیه دارد. به طوری که تضعیف یک عنصر موجب ضعیف شدن بقیه عناصر خواهد شد. هیرشی می‌گوید رفتار سازشی نتیجه پیوندهای اجتماعی قوی با جامعه است. زمانی که دانش‌آموز نسبت به مدرسه دلستگی دارد، به مدرسه و موفقیت علمی متعهد می‌شود، در فعالیت‌های مرتبط با مدرسه درگیر می‌شود و اعتقاد پیدا می‌کند که قوانین و سیاست‌های مدرسه منصفانه‌اند، در چنین شرایطی احتمال انجام فعالیت‌های مجرمانه کم خواهد بود.

نظریه عمومی فشار هم جرم را نوعی سازگاری با تنش معرفی می‌کند و سه نوع عمده ایجاد کننده کج روی را شناسایی می‌کند: عدم نیل به اهداف فردی، حذف محرک‌های مثبت یا مطلوب، مواجهه فرد با محرک‌های منفی. تجربه دانش‌آموز با رویداد تنش دار زندگی که برای وی بروز می‌کند مانند از دست دادن یک دوست یا عضو خانواده که برای وی ارزش بسیاری دارد و یا تعلیق شدن از مدرسه یا تعویض مدرسه جملگی می‌توانند احساسات بی‌هنجاری ایجاد کنند. علاوه بر این یک نوجوان ممکن است در معرض، سوء رفتار قربانی شدن خسارات مدرسه و دیگر محرک‌های مضر قرار گیرد از آن جا که نوجوان به طریق قانونی نمی‌تواند از مدرسه فرار کند لذا از روش‌های مشروع برای اجتناب از استرس والدین و معلمان مسدود می‌شود این واقعیت به فرد انگیزه می‌دهد تا به صورت تا بعضی از رفتارهای بزهکارانه واکنش نشان می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- نظارت و کنترل والدین دانش‌آموزان غیرهنجارمند بر فرزندانشان، کمتر از نظارت و کنترل والدین دانش‌آموزان هنجارمند است.
- ۲- ارتباط دانش‌آموزان غیرهنجارمند با سایر کجروان در مقایسه با ارتباط دانش‌آموزان هنجارمند با کجروان بیشتر است.
- ۳- در خانواده‌های دارای انسجام، رفتار هنجارمند بیشتر دیده می‌شود.
- ۴- بین میزان بهرمندی از پیوند عاطفی و رفتار غیرهنجارمند رابطه معکوس وجود دارد.

- ۵- اگر در جریان اجتماعی شدن فرد به انجام رفتار هنجارمند تشویق شود احتمال رفتار غیر هنجارمند کم است
- ۶- بین مشارکت فرهنگی و اجتماعی و رفتار هنجارمند رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیقی علی - مقایسه ای است که در آن دو گروه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که گروهی از دانش آموزان پسر دبیرستانی هنجارمند و گروه دیگر دانش آموزان پسر دبیرستانی غیر هنجارمند می باشند. استفاده شده است. در این روش با انتخاب جمعیت نمونه، مطالعه از طریق نمونه گیری و اعمال شیوه پرسشنامه به جمع آوری اطلاعات و آزمون فرضیات پرداخته و نتایج حاصله به کل جمعیت مورد نظر تعمیم داده می‌شود در این تحقیق با توجه به اینکه از نوع تحقیق کمی است و در تحقیقات کمی اصالت با محیط است، لذا دو گروه به لحاظ بعضی شاخص‌های اصلی همانند یایگاه اقتصادی و اجتماعی و... تقریباً یکسان هستند. نمونه گیری در این تحقیق به صورت تصادفی سیستماتیک انجام گرفت، دو مرحله نمونه گیری انجام شد، یک مرحله از دانش آموزان هنجارمند و دیگری غیر هنجارمند. حجم نمونه بوسیله فرمول کوکران انتخاب گردید، با استفاده از فرمول کوکران ۱۵۰ نفر به عنوان گروه هنجارمند انتخاب گردیدند و ۱۴۰ نفر به عنوان گروه غیر هنجارمند انتخاب گردید.

جامعه مورد مطالعه کلیه دانش آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان‌های ملایر در سال ۱۳۹۱ می‌باشند که در مقطع اول دوم و سوم دبیرستان در دبیرستان‌های دولتی و غیر انتفاعی مشغول به تحصیل هستند.

برای سنجش فرضیه‌های تحقیق از آزمون کای اسکویر و برای پیش بینی و طرح مدل تجربی از رگرسیون استفاده گردید.

مدل و تحلیل رگرسیون پژوهش

شرط استفاده از رگرسیون چند گانه، کمی بودن متغیر وابسته است. در صورتی که متغیر وابسته از نوع اسمی و دوجهی باشد در این صورت باید از رگرسیون لوجستیک استفاده کرد.

در نوع تحقیق با توجه به نوع متغیر وابسته که انحراف رفتاری دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌هاست و شکل دو وجهی متغیر وابسته که دارا بودن صفت و عدم صفت (هنجارمند و غیر هنجارمند) است از رگرسیون لجستیک استفاده شد.

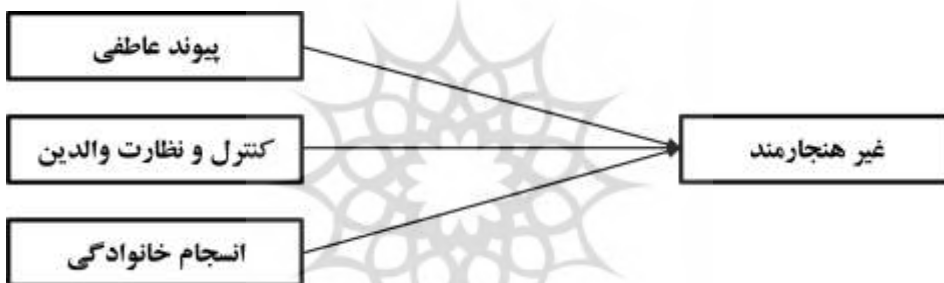
در رگرسیون لجستیک از مشخصه‌های آماری استفاده می‌گردد که دارای توزیع کای اسکویر است برای استفاده از رگرسیون لجستیک در این تحقیق از روش Forward-Stepwise استفاده گردید در این روش متغیرهای قوی تر انتخاب و وارد معادله می‌گردند.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که متغیر کنترل و نظارت والدین با بهبود کای اسکویر برابر با $8/35$ و سطح معنی داری کمتر از 5 درصد و متغیر پیوند عاطفی در گام دوم با بهبود کای اسکویر برابر با $6/58$ و سطح معنی داری کمتر از 5 درصد و در گام بعد با ورود متغیر انسجام خانوادگی با بهبود کای اسکویر برابر با $7/74$ و سطح معنی داری کمتر از 5 درصد وارد معادله شده است. در نتایج بدست آمده که برای برازش مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد که در سه مرحله ظاهر شده است (با ورود سه متغیر مستقل در سه گام) و یک بهبودی را نشان می‌دهد بطوری که مقدار اولیه برای شروع عملیات تکراری فیت کردن مدل از $260/282$ به $237/601$ کاهش داشته است که در سطح دقت $0/01$ انجام گرفته است. مقدار کای اسکویر مدل نشان می‌دهد که رد فرض صفر و میزان معنی داری، یعنی مدل در حد مطلوبی میزان تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. مدل نشان می‌دهد اگر مقادیر پیوند عاطفی و کنترل و نظارت والدین افزایش و انسجام خانواده مقدار کاهش می‌یابد و این مشخص کننده مقدار کاهش است و نشان می‌دهد که نسبت افراد غیر هنجارمند کاهش می‌یابد و هرچه مقدار بدست آمده به یک نزدیکتر باشد معقول تر است و هرچه از یک کوچکتر و به صفر نزدیک باشد غیر قابل قبول است.

جدول شماره ۱: مقادیر بتای مدل

متغیرها	B	S. E	Wald	Df	Sig	R	Exp (B)
پیوند عاطفی	-۰/۵۶	۰/۲۰	۷/۳۸	۱	۰/۰۰۶	-۰/۱۴	۰/۵۷
کنترل و نظارت	-۰/۶۱	۰/۱۹	۱۰/۲۶	۱	۰/۰۰۱	-۰/۱۷	۰/۵۳
انسجام خانوادگی	-۰/۸۹	۰/۳۲	۷/۷۵	۱	۰/۰۵۴	-۰/۱۴	۰/۴۰
Constant	۲/۶۷	۰/۶۸	۱۶/۵۱	۱	۰/۰۰۰		

مدل تجربی



نتیجه گیری و یافته‌ها

نتایج توصیفی

متغیر وابسته در این تحقیق غیر هنجارمندی دانش آموزان پسر دبیرستان که برای غیر هنجارمند بودن از مولفه‌های همچون: استعمال دخانیات و مواد مخدر، پرخاشگری، سرقت، تخریب اموال مدرسه، غیبت‌های مکرر، بی‌احترامی نسبت به معلمان و مسئولان مدرسه، داشتن روابط غیر اخلاقی است. از کل والدین دانش آموزان غیر هنجارمند ۱۳ درصد هر دو هفته یکبار به مدرسه مراجعه، ۳۷ درصد هر ماه یکبار و ۵۰ درصد هر سه ماه و بیشتر به مدرسه مراجعه می‌کردند. والدین دانش آموزان هنجارمند ۲۵ درصد هر دو هفته یکبار مراجعه کرده‌اند ۴۵ درصد هر ماه و ۳۰ درصد هر سه ماه و بیشتر مراجعه کرده‌اند، بنابراین آمار نشان می‌دهد که مراجعه والدین دانش آموزان هنجارمند برای کنترل بیشتر است گرچه میزان مراجعه هر دو

گروه کم است.

۲۰ درصد از والدین دانش‌آموزان غیر هنجارمند اصلاً "اجازه نمی‌دهند که فرزندانشان با همکلاسی خود به گردش و یا مهمانی بروند ۵۰ درصد پس از شناسایی این اجازه را می‌دهند و ۳۰ درصد بی تفاوت هستند در مورد والدین دانش‌آموزان هنجارمند ۱۴/۱۰ اصلاً اجازه نمی‌دهند ۷۷ درصد پس از شناسایی اجازه می‌دهند و ۱۲/۸۶ درصد بی تفاوت هستند.

۳۴ درصد از والدین دانش‌آموزان غیر هنجارمند همیشه در جلسات انجمن و اولیا شرکت می‌کنند، ۴۶ درصد مقطعی و ۲۰ درصد اصلاً شرکت نمی‌کنند والدین دانش‌آموزان هنجارمند ۳۸ درصد همیشه شرکت می‌کنند ۴۳ درصد مقطعی و ۱۷ درصد اصلاً شرکت نمی‌کنند. ۳۳ درصد از والدین دانش‌آموزان غیر هنجارمند اجازه دوست شدن فرزندانشان با دانش‌آموزان مقاطع و سن بالاتر را می‌دهند. ۴۰ درصد پس از شناسایی و تحقیق اجازه می‌دهند و ۲۸ درصد بی تفاوت هستند والدین دانش‌آموزان هنجارمند ۱۸ درصد اجازه نمی‌دهند، ۶۰ درصد پس از شناسایی اجازه می‌دهند و ۲۲ درصد بی تفاوت هستند. ۱۵ درصد از دانش‌آموزان غیر هنجارمند دوستانی داشته‌اند که به‌طور اتفاقی تحت تعقیب نیروی انتظامی بوده‌اند و ۱۶ درصد از دانش‌آموزان هنجارمند هم چنین دوستانی داشته‌اند. ۷۰ درصد از دانش‌آموزان غیر هنجارمند چنین دوستانی نداشته‌اند و ۷۷ درصد دانش‌آموزان هنجارمند چنین دوستانی نداشته‌اند و ۱۰ درصد از والدین دانش‌آموزان غیر هنجارمند درگیری فیزیکی داشته‌اند ۳۰ درصد مشاجره لفظی و ۶۰ درصد هیچ مشاجره و یا درگیری نداشته‌اند. در مقابل ۴ درصد از والدین دانش‌آموزان بهنجار دارای درگیری فیزیکی بوده‌اند ۲۰ درصد مشاجره لفظی داشته‌اند و ۷۶ درصد هیچ گونه مشاجره‌ای نداشته‌اند. عضویت دانش‌آموزان بهنجار در واحدهای فرهنگی مدارس به صورت فعال نسبت به دانش‌آموزان غیر هنجارمند بیشتر است بطوری که ۱۵ درصد دانش‌آموزان هنجارمند عضو بسیج و ۷ درصد عضو انجمن اسلامی دارای مسئولیت هستند در صورتی که دانش‌آموزان غیر هنجارمند فقط ۴ درصد عضویت فعال دارند. ۴۰ والدین دانش‌آموزان غیر هنجارمند به دلیل غیبت‌های مکرر فرزندان خود را سرزنش کرده‌اند و ۵۰ والدین دانش‌آموزان هنجارمند به خاطر غیبت فرزند خود را سرزنش کرده‌اند.

نتایج تبیینی

فرضیه، والدین دانش آموزان هنجارمند نظارت و کنترل بیشتری نسبت به والدین دانش آموزان غیر هنجارمند بر فرزندان خود دارند، با اطمینان ۹۵٪. رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود دارد. شاخص‌های متعددی برای آزمون این فرضیه در نظر گرفته شده که عبارتند از: میزان مراجعه والدین به مدرسه، شرکت در جلسه اولیا و مربیان، انتخاب دبیرستان، اطلاع از زمان فعالیت‌های فوق برنامه، واکنش در مقابل تخلف، دیر به مدرسه رفتن، رفتن به سینما، واکنش در مقابل انتخاب دوست و واکنش در مقابل گردش و تفریح با دوستان که رابطه معنی داری را با متغیر وابسته نشان می‌دهد، و شاخص‌های اطلاع از تعطیلی مدرسه اطلاع از امتحانات و واکنش در مقابل غیبت‌های مکرر رابطه معنی داری را با متغیر وابسته نشان نمی‌دهد. هرچه خانواده‌های نظارت بیشتری بر رفتار و اعمال فرزندان خود داشته باشند، اجتماعی شدن فرزندان در این خانواده‌ها نیز بر طبق هنجارها و ارزشهای حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد در نتیجه فرد هم‌نوا با جامعه می‌شود و خانواده‌های که نظارت کمتری بر فرزندانشان دارند فرزندانشان مطابق هنجارهای اجتماعی جامعه پذیر نمی‌گردند. خانواده اولین عاملی است که بر رفتار تاثیر می‌گذارد و در واقع خط سیر رفتار دانش آموز بوسیله والدین تعیین می‌شود. لذا کنترل و نظارت اجتماعی ابزار مهمی در تثبیت هنجارهای اجتماعی است و می‌تواند مانع بروز و پیدایش هر نوع انحراف می‌شود.

فرضیه، دانش آموزان غیر هنجارمند ارتباط بیشتری با سایر غیر هنجارمندان در مقایسه با دانش آموزان هنجارمند دارند با اطمینان ۹۵ درصد تایید نگردید. و رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود ندارد. شاخص‌های همانند تحت تعقیب گرفتن دوستان دانش آموزان توسط پلیس، دوستان اخراجی از مدرسه رابطه معنی داری را با متغیر وابسته نشان نداد.

بین میزان بهره‌مندی از پیوند عاطفی و رفتار هنجارمند رابطه وجود دارد با احتمال ۹۵ درصد تأیید گردید شاخص‌های که برای این فرضیه در نظر گرفته شده بود همانند میزان توجه والدین فرد نسبت به وی، بیان مشکلات توسط اعضای خانواده و ارضای نیازهای عاطفی^۵ شخصیتی بر حسب محیط خانواده بودند.

بنابراین بین پیوند عاطفی و رفتار هنجارمند رابطه معنی داری وجود دارد وقتی نوجوان در

خانواده رنگ صفا و محبت را ببیند و در ارضاء نیازهای عاطفی^۵ شخصیتی بر حسب محیط خانوادگی دچار مشکل نگردد. دیگر در جایی به جزء محیط خانواده خود به دنبال آن نخواهد گشت خانه‌ها فرا کرده و وبه خاطر خلأ عاطفی اسیر گروه‌های منحرف نمی‌گردد.

اگر در جریان اجتماعی شدن فرد به انجام رفتار هنجارمند تشویق شود، احتمال رفتار غیر هنجارمند کم است با احتمال ۹۸ درصد تأیید گردید. یعنی اگر دانش‌آموز به ضدیت با قوانین و هنجارها تشویق گردد احتمال غیر هنجارمندی آن افزایش می‌یابد و یا بالعکس اگر به رعایت قوانین تشویق گردد احتمال رفتار غیر هنجارمند کاهش می‌یابد.

فرضیه، در خانواده‌های دارای انسجام رفتار هنجارمند بهتر دیده می‌شود با احتمال ۹۹ درصد تأیید گردید و رابطه معنا داری بین انسجام خانوادگی و رفتار هنجارمند وجود دارد پذیرفته شدن این فرضیه نشان می‌دهد که شرایط مساعد خانوادگی و عدم مشاجره لفظی، دعوا و پرخاشگری والدین نسبت بهم و فرزندان در هنجارمندی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

روابط والدین با هم و چگونگی رفتار آنها با فرزندان پایه‌های اصلی و اولیه را نشان می‌دهد نوع این روابط و کیفیت آن در استحکام و بقای خانواده موثر است، نوجوان از مشاهده اینکه والدین آنها هماهنگ و سازگار هستند الگو می‌گیرند. وقتی نوجوان در خانواده رنگ صفا و محبت را نبیند در گروه دوستان به دنبال آن می‌گردد فرزند از اینگونه خانه‌ها فرا کرده و کسی که از خانه فرار کند اسیر گروه‌های منحرف می‌گردد.

فرضیه دانش‌آموزان هنجارمند مشارکت فرهنگی بیشتر نسبت با دانش‌آموزان غیر هنجارمند دارند. با ۹۹ درصد احتمال رابطه معنا داری را بین دو متغیر نشان می‌دهد. شاخص‌های همانند عضویت در بسیج، انجمن اسلامی، هیات‌های مذهبی، انجمن‌های علمی و ورزشی در نظر گرفته شده است. پذیرفته شده این فرضیه نشان می‌دهد که مسأله پر شدن اوقات فراغت دانش‌آموزان و سوق دادن آنها به فعالیت‌های فرهنگی از عوامل مهم برای کاهش بزهکاری و هنجارمندی است زیرا فعالیت‌های فرهنگی از یک طرف باعث پر شدن اوقات فراغت و از طرف دیگر باعث آموزش هنجارها و ارزش‌های رایج جامعه به دانش‌آموزان شده و دانش‌آموز از طریق فعالیت فرهنگی با هنجارها و ارزش‌ها آشنا شده و باعث همنوایی می‌گردد.

بحث و پیشنهادها

۱- پرورش شخصیت فرزندان و انتقال موارث فرهنگی و مذهبی و جامعه پذیری از وظایف خانواده است. بنابراین کنترل و نظارت اجتماعی خانواده‌ها ابزار مهمی در تثبیت هنجارها محسوب می‌شوند. ضرورت دارد که خانواده‌ها نظارت و کنترل خود را به صورت معقول افزایش داده و مانع بروز و پیدایش هر گونه انحراف گردند.

۲- مشاوره خانواده می‌تواند به تصحیح روابط افراد خانواده بینجامد، در مشاوره خانوادگی، اعضای خانواده به رفتار یکنواخت و کلیشه خود که همراه پیش داوری و برداشت نادرست است پی می‌برند. والدین در مشاوره خانوادگی رفتار مناسب برای برخورد با دانش آموز بزهکار را فرا خواهند گرفت و از بکار بردن تشویق‌ها و روش‌های تغییر رفتار آگاه می‌شوند و همچنین فرا می‌گیرند که از روش‌های تنبیه و تهدید مخصوصاً اگر مربوط به رفتار جوانان آنان نباشد خود داری می‌کنند و خشم و پرخاشگری بیش از پیش فرزندان خود را موجب نمی‌شوند.

۳- مشاوره فردی باعث می‌شود دانش آموز بزهکار از حالات شخصی خود آگاه باشد که نمی‌تواند الگوی رفتاری داشته باشد سعی در تصحیح رفتار خویش می‌نماید. از روش تحلیل رفتار متقابل در گروه‌های کوچک بزهکاران استفاده شده و به تصحیح ارتباطات و بازیابی شخصی آنان می‌انجامد.

۴- نظر به اینکه بزهکاران اغلب بصورت گروهی عمل می‌کنند و تحت تاثیر دوستان قرا می‌گیرند. مشاوره گروهی می‌تواند در شناخت روابط و به کمک آنان برای تبادل بهتر و تصمیم‌گیری مشترک مناسب‌تر و مفیدتر باشد.

۵- گسترش فضاهای تفریحی، هنری، ورزشی و فرهنگی برای پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و جذب آنان در فعالیت‌های فرهنگی به منظور کاهش زمینه‌های بروز بزهکاری و ممانعت از جذب دانش‌آموزان به باندهای تبهکار.

۶- افزایش منابع درآمد خانواده‌های ضعیف و تامین نیازهای مادی این خانواده‌ها به نحوی که بتوانند به شکل معمولی زندگی خود و فرزندان را تامین نمایند.

۷- مدیران و مسئولان مدارس نسبت به فراهم کردن روابط انسانی در مدارس و ایجاد

زمینه‌های برای رشد شخصیت دانش‌آموزان کوشا باشند.

۸- تلاش در جهت ایجاد محیطی مساعد و حاکی از تفاهم و تعامل بین مدارس و والدین دانش‌آموزان به منظور مراجعه مستمر و ارتباط تنگاتنگ والدین با مدارس.

منابع

- ۱- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۸۹) در آمدی بر مکاتب و نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی، گناباد: انتشارات مرنديز.
- ۲- احمدی، ح. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- اطیایی، امید (۱۳۸۰)، "هنجار شکنی دختران دبیرستانی در مناطق شما و جنوب تهران"، مجله فرهنگ عمومی، شماره ۲۶ و ۲۷.
- ۴- انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۱). خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران: آگاه.
- ۵- ایمان، محمد تقی (۱۳۸۹)، مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۶- باقری، معصومه و سلیمان نژاد، محمد (۱۳۸۹) "بررسی جامعه‌شناختی هویت جوانان"، دانشنامه علوم اجتماعی، شماره ۳.
- ۷- برن، اگ و نیم کف. (۱۳۷۵) زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه واقتباس ا. ح آریانپور، تهران: انتشارات شرکت
- ۸- سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۹- پنجه پور، نسرین (۱۳۷۹). بررسی و تبیین علل اجتماعی موثر بر آنومی در بین دانش‌آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۱۰- توسلی، غلامعباس و فاضلی، رضا (۱۳۸۱). تاثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتار والدین بر اثر بخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.

- ۱۱- جواهری، فاطمه (۱۳۸۶). کند و کاوی در آثار قشر بندی، مجله پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
- ۱۲- چلیپی، مسعود و اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۷۹). فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامدهای روانی و اجتماعی آن، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶.
- ۱۳- خدایاری، محمد. (۱۳۷۷)، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۱۴- دانش، تاج زمان. (۱۳۶۸)، مجرم کیست، جرم شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۵- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۶- رئیسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بز هکاری نوجوانان، فصلنامه دانش اجتماعی، شماره ۲۴.
- ۱۷- زارعی، امیر حسین (۱۳۸۴) "بز هکاری و بز ه دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۱۸- رایینگتن، ارل. (۱۳۸۲)، رویکردهای نظری هفتگانه بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه صدیق سروسناتی، تهران: دانشگاه تهران
- ۱۹- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد سوم، تهران: انتشارات دیدار.
- ۲۰- ستوده، هدایت ا... (۱۳۷۹)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۲۱- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۳)، جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲۲- صدیق سروسناتی، رحمت ا... (۱۳۸۹)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: سمت.
- ۲۳- صالح پور، ابراهیم. (۱۳۸۰)، "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر هنجارشکنی دانش آموزان پسر دبیرستان های رشت"، مجله فرهنگ عمومی، شماره ۲۶ و ۲۷.
- ۲۴- شارع پور، محمود و علی وردی، اکبر و ورمرزیار، مهدی (۱۳۸۷) " سرمایه اجتماعی خانواده و بز هکاری، زن در توسعه و سیاست"، شماره ۲.
- ۲۵- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰)، جوان و بحران و هویت، تهران: انتشارات سروش.

- ۲۶- شرفی، محمد رضا. (۱۳۷۴)، دنیای نوجوان، تهران: انتشارات تربیت.
- ۲۷- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۳)، "تئوری انحرافات، تهران: نشر معاصر.
- ۲۸- طالبی، ابوتراب. (۱۳۸۰)، "جایگاه سازمانها و نهادها در مشارکت فرهنگی جوانان"، مجله فرهنگ عمومی، شماره ۲۶ و ۲۷.
- ۲۹- فرجاد، محمد حسین. (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۳۰- فرجاد، محمد حسین. (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات بدر.
- ۳۱- قربان حسینی، علی اصغر. (۱۳۷۱)، جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۳۲- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۶)، پردازش و تحلیل داده‌های اقتصادی و اجتماعی با نرم‌افزار spss، تهران: انتشارات شریف.
- ۳۳- ریتزر، جرج (۱۳۸۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. نشر علمی.
- ۳۴- گلاین برگ، اتو. (۱۳۷۲) روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، جلد دوم، تهران: انتشارات اندیشه.
- ۳۵- نوایی نژاد، شکوه. (۱۳۷۱)، رفتارهای بزه‌کار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان نابهنجارها، تهران: سازمان انتشارات فرهنگی ابتکار هنر.
- ۳۶- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵) بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحرافات اجتماعی، تهران: نشر علم.
- ۳۷- موسوی خامنه، مرضیه و رجب‌لو، علی و علوی لیلیا (۱۳۹۰) "رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی در دانشجویان"، دانشنامه علوم اجتماعی شماره ۱.

38- Gold, J. Sullivan, M. Lewi, M: (2011): The relation between abuse and violent delinquency :The conversion of shame to blame in juvenile offenders, Child Abuse & Neglect 35 ,459° 467

39- Joseph P. Ryan, Mark F. Testa (2007): Child maltreatment and juvenile delinquency Investigating the role of placement and placement instability

40- Children and Youth Services Revi, 27, 227-249

- 41- Heather, M. Farineau Lenore, M. McWey (2011). The relationship between extracurricular activities and delinquency of adolescents infoster care , Children and Youth Services Review 33 , 963° 968
- 42- Brinkerhoff , Duvidb: (1985) sociology , west pub. co .
- 43- Brehm , S. K: (1996) social , psychology. 33 rd , Geneeva: Houghton nifflin .
- 44- Cuber , johnf: (1955) Sociology , Synopsis of principles / 3rd. New york

